

درآمدی بر

شاه ایران و سوز گسترده

حمید ضایع‌پور



فرهنگ معاصر
تهران ۱۳۹۲

فهرست‌نویسی پیش از انتشار

سرشناسه: قلیچ‌خانی، حمیدرضا، ۱۳۴۷ -

عنوان و نام پدیدآور: درآمدی بر خوشنویسی ایرانی / حمیدرضا قلیچ‌خانی.

مشخصات نشر: تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۴۰۰ ص.: مصور (بخش رنگی)، جدول.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۵-۰۲۲-۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: خوشنویسی - تاریخ

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۹۲ ق ۸ ف / NK۳۶۳۹

رده‌بندی دیویی: ۷۴۵/۶۱۹ فا

فرهنگ معاصر

شماره ۱۵۴، خیابان دانشگاه، تهران ۱۳۱۴۷۶۴۶۶۷
تلفن: ۶۶۹۵۲۶۳۲ فکس: ۶۶۴۱۷۰۱۸

e-mail: info@farhangmoaser.com
website: www.farhangmoaser.com



درآمدی بر خوشنویسی ایرانی
دکتر حمیدرضا قلیچ‌خانی
صفحه‌آرایی: واحد گرافیک فرهنگ معاصر
چاپ و صحافی: فرهنگ معاصر
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
چاپ اول: ۱۳۹۲

کلیه حقوق این اثر متعلق به «مؤسسه فرهنگ معاصر» است و هر نوع استفاده
بازرگانی از این فرهنگ اعم از زیراکس، بازنویسی، ضبط، کامپیوتری و یا تکثیر
به هر صورت دیگر، کلاً و جزئاً، ممنوع و قابل تعقیب قانونی است.

فهرست

۱	 دیباچه
۳	 گزارش کار

زبان خط در ایران

۹	 ۱. خاستگاه خط
۱۲	 ۲. خطوط کهن

خوشنویس

۲۵	 ۱. خوشنویسی اسلامی
۳۷	 ۲. خوشنویسی ایرانی
۴۴	 ۳. خطوط ششگانه
۸۵	 ۴. خط تعلیق و شکسته تعلیق
۱۰۷	 ۵. خط نستعلیق
۱۶۵	 ۶. خط شکسته نستعلیق
۱۷۹	 ۷. خوشنویسی معاصر

آموزش خوشنویس

۲۰۱	 ۱. معنویت در خوشنویسی
۲۰۵	 ۲. آموزش اصول و قواعد
۲۰۸	 ۳. ابزار کتابت و خوشنویسی

شعر فارسی

۱. همخوانی خوشنویسی و شعر فارسی ۲۲۱
۲. اصطلاحات خوشنویسی در شعر فارسی ۲۳۰

رساله تراوتزیر

- رساله‌های آموزشی ۲۳۹

فهرست هنرمندان

- فهرست هنرمندان ۲۵۷
- شرح تصاویر ۳۴۷
- کتابشناسی گزیده ۳۶۱
- نمایه ۳۷۵

اختصارات

ق. هجری قمری	نک: نگاه کنید به	ف فوت
ش. هجری شمسی / شماره	چ چاپ	ص. صفحه
م. میلادی	ح حدود	صص صفحه‌ها
ق.م. قبل از میلاد	حک: دوره حکومت	(؟) به گمان

دیباچه

این کتاب از پیدایش زبان و خط در ایران آغاز می‌شود و پس از گفتاری کوتاه درباره‌ی خاستگاه خط، به زبان و خط‌های رایج در عصر هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان می‌پردازد.

خوشنویسی در معنای دقیق و تخصصی از نخستین سده هجری با کتابت قرآن در میان مسلمانان آغاز شد. خوشنویسی افزون بر ثبت و ضبط زبان و انتقال اطلاعات، توجه به زیبانویسی و رعایت مبانی دیداری بسیار پیچیده‌ای است که با نژاد، فرهنگ، جغرافیا و دیگر هنرهای سرزمین، پیوندی جادویی و ناگسستی دارد و همگام با هنرهای وابسته به خوشنویسی، مجموعه‌ی کلانی از هنر را می‌سازد.

نخستین تجربه‌های خوشنویسی ایرانی همزمان با از میان رفتن خط پهلوی و جایگزینی خط کوفی همراه بود و از سده چهارم با حضور نوابغی چون ابن مقفله فارسی به عنوان هنری ارزشمند، مستقل و اصیل شناخته شده و با گذر از تحولات بی‌شمار به دست ما رسیده است.

پس از آشنایی اجمالی با دوره باستان، نوبت به همخوانی خوشنویسی و ادب فارسی و همچنین چگونگی به کارگیری واژگان و اصطلاحات هنری در شعر فارسی می‌رسد.

سپس خوشنویسی اسلامی، خط‌های ششگانه و سه خط ایرانی: تعلیق، نستعلیق و شکسته نستعلیق و استادان بزرگ هر دوره معرفی می‌شود. فصل دیگر به اختصار به مهم‌ترین متن‌ها و رساله‌های آموزشی خوشنویسی، به‌ویژه به دوره اوج شکوفایی این آثار در سده دهم هجری اشاره می‌کند.

در فصلی دیگر برای نخستین بار فهرستی از حدود نهصد کاتب و خوشنویس ارائه می‌شود که برگرفته از مطالعه تذکره‌های کهن، پژوهش‌های معاصر و مشاهده هزاران نسخه خطی، رُقع و کتیبه است و اگرچه کاستی‌هایی دارد اما می‌تواند چکیده‌ترین و سریع‌ترین مرجع برای دستیابی علاقه‌مندان به اطلاعات کلیدی هر هنرمند باشد.

افزون بر تصاویری که با متن همراه است، آلبومی در پایان هر فصل وجود دارد و مرقعی نیز از خطوط گوناگون در پایان کتاب جای گرفته است. در گزینش تصاویر، تلاش بر این بود که از انواع خط‌ها، از جمله: کوفی، معقلی، نسخ، ثلث، مُحَقَّق، ریحان، توقیع، رِقاع، تعلیق، نستعلیق و شکسته آن (از کتابت تا کتیبه) نمونه‌هایی ارائه شود. نمونه‌هایی که هم فاخر و نفیس باشد و هم دستمایه پژوهشگران، از پیش از اسلام تا سده اخیر. تصویر برخی از آثار برای بار نخست در منظر اهل نظر قرار می‌گیرد و در همین جا از مسئولان یکایک موزه‌ها، کتابخانه‌ها و مجموعه‌داران محترمی که آثارشان در این کتاب معرفی می‌شود سپاسگزاری می‌کنم. نیک پیداست که هنوز نیز در مراجعه به بسیاری از مجموعه‌های عمومی و خصوصی با در بسته روبرو می‌شویم که با امید به گشایش آنها در آینده، این افسوس مگر قدری تسکین پذیرد.

آشکار است که برای تدوین تاریخ خوشنویسی ایران، تمام آثار و مستندات این هنر می‌بایست در دسترس باشد و از آنجا که بسیاری از نسخه‌های خطی و مرقعات دلاویز ایران تاکنون به درستی شناسایی و منتشر نشده است، هرگونه پژوهش و داوری قطعی در باب سیر تحول و روند کتابت در ایران و نیز خوشنویسان ایرانی، کاستی و لغزش‌هایی را در پی خواهد داشت و دریغا که خوشنویسی ایرانی و هنرهای وابسته، آن‌سان که سزاوار است بررسی نشده و در گذر تاریخ، هنرمندان و بینندگان جملگی فریفته و مسحور نمود عینی این هنر شده‌اند. بسیاری از شاهکارهای خوشنویسان ایران در موزه‌ها، کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی خارج از کشور نگهداری می‌شوند و شماری از آنها همچنان دست نیافتنی‌اند؛ در نتیجه این پژوهش، افزون بر کتاب‌ها، مقالات و آثاری که تاکنون به زبان‌های گوناگون منتشر شده، بر دانسته‌ها و تجربیات نگارنده مبتنی است و نیک می‌دانم که این عرصه سزاوار بررسی‌های ژرف‌تر و گسترده‌تر است.

باید اذعان کنم که گزیده‌گویی در هنری چنین شکوهمند و کهن، و هنرمندانی چنین گرانقدر، بس دشوار است و بی‌شک خلیف خوشنویسی ایرانی در هزار سال گذشته، در عرصه‌های بی‌شماری همچون سکه‌ها، مهرها، کتیبه‌ها، سنگ‌مزارها، ظروف و اشیای سفالی، فلزی و چوبی، اسناد، مرقعات و نسخه‌های خطی، خوش درخشیده است و بی‌شک با کلکی چنین کم‌مایه و آن نیز در چند صفحه، حق این هنر چنان‌که شایسته است، گزارده نخواهد شد.

انگیزه اصلی در تالیف این کتاب، پژوهشگران ایرانی و غیر ایرانی، دانشجویان و خوشنویسانی بوده‌اند که بارها خواسته‌اند تا منبعی مستقل و مختصر را درباره «خوشنویسی ایرانی» به ایشان معرفی کنم و از نبودن منابع ساده و در عین حال تخصصی انتقاد کرده‌اند. پس کتابی که پیش رو دارید به این انگیزه و با تشویق استادان ایرج افشار، رویین پاکباز و دکتر احسان یارشاطر به انجام رسیده است.

حمیدرضا قلیچ‌خانی

تیرماه ۱۳۸۹

گزارش کار

در این مختصر برآنم تا با اشاره‌ای به روش تحقیق و تألیف کتاب‌هایی از این دست، وضعیت این پژوهش را روشن‌تر سازم. کتابی که پیش رو دارید، از نخستین گامها در نگارش تاریخ جامع خط و خوشنویسی در ایران است و به یقین، هنری چنین ارزشمند را بسنده نیست و همانگونه که در عنوان کتاب آمده، درآمدی بر خوشنویسی ژرف و کهنسال ایرانی است.

رساله‌ها، متون کهن، تذکره‌ها و مقدمه مرقعات باید و مابقی برای تألیف تاریخ خط و خوشنویسی به شمار می‌روند؛ با این حال هیچ‌گاه تاریخ مستندی برای خوشنویسی ایرانی نوشته نشده است. کتاب‌هایی چون «احوال و آثار خوشنویسان» و «اطلس خط» نیز هرچند که از منابع معتبر و اصلی هستند، با این هدف تألیف نشده‌اند و نیاز علاقه‌مندان را به تمامی برآورده نمی‌سازند. پراکندگی آثار خوشنویسی در موزه‌ها و کتابخانه‌ها و همچنین آشفتگی و مستند نبودن مطالب بسیاری از کتاب‌های مرجع در این زمینه، سبب شده است تا پژوهشگران انگشت‌شماری وارد این عرصه شوند. در پژوهش‌های مفصل و عمیق ایران‌شناسان درباره زبان و خطوط ایران باستان و هنرهای دوره اسلامی نیز توجه چندانی به خوشنویسی نشده است و گاه گاه در حاشیه هنرهایی چون معماری، کتاب‌آرایی و نگارگری اشاراتی می‌توان یافت و در نتیجه پژوهشگران غیرایرانی هم، چنان که باید به این شاخسار سرشار هنر نپرداخته‌اند.

در تدوین تاریخ خوشنویسی نخست می‌باید به بنیان‌های زیر پرداخته و برای هر یک از آنها پاسخی روشن اندیشید:

۱. قلمرو خوشنویسی

در آغاز باید به تعریف جامعی از خوشنویسی رسید و روشن کرد که کدام گروه از نسخه‌های خطی، کتیبه‌ها و مرقعات و جز این‌ها در حوزه خوشنویسی قرار دارند و آیا هر نوشته خوش و گاه زیبا را در بر می‌گیرد؟ آیا هر کاتبی خوشنویس است و یا هر خوشنویسی را می‌توان کاتب نامید؟ آیا می‌باید به خطوط هر سکه و یا کتیبه‌ای پرداخت؟

۲. قلمرو زمان و مکان

باید روشن شود که گستره پژوهش چه دوره زمانی را در بر می‌گیرد؟ آیا پیش از اسلام هم بررسی می‌گردد یا خیر؟ بر کدام دوره تأکید بیشتری شده است؟ آیا دوره معاصر و تحولات کنونی نیز بررسی می‌شود؟ مرزهای جغرافیایی پژوهش نیز اهمیت دارد. آیا منظور از خوشنویسی ایرانی، ایران کنونی است یا ایران

در هر دوره تاریخی؟ آیا آثاری که هنرمندان ایرانی در عثمانی و هندوستان آفریده‌اند نیز در این پژوهش جای دارند؟ آیا خوشنویسان غیرایرانی که آثاری را به زبان فارسی در ایران یا بیرون از مرزهای ایران امروزی رقم زده‌اند و در جغرافیای زبان فارسی قرار داشته‌اند نیز بررسی خواهند شد؟

۳. شیوه تألیف

در سیر هر پژوهش باید دانست که آیا تنها به معرفی، شناسایی و توصیف می‌پردازیم و یا به بررسی، تحلیل و انتقاد نیز خواهیم پرداخت؟ آیا پژوهش ترکیبی از معرفی، تحلیل و انتقاد است؟

۴. تقسیم‌بندی دوره‌ها

سیر خوشنویسی را می‌توان به گونه‌های بسیاری دسته‌بندی کرد، از جمله سلسله‌های حکومتی و مراکز قدرت، پیدایش و تحولات خطوط، خوشنویسان برجسته و تأثیرگذار، آثار نفیس بازمانده، قالب‌های خوشنویسی (کتابت، کتیبه‌گاری، جلیبا و سیاه‌مشق) و کاربردهای خوشنویسی (سکه‌ها، مهرها، ظروف، اشیا و بافته‌ها) روشن است که انتخاب هر یک از این دسته‌بندی‌ها در چگونگی بیان مطالب، پیوستگی آنها و نتیجه به دست آمده، موثر خواهد بود.

در این کتاب، بنیان‌های یادشده، به شرح زیر در نظر گرفته شده‌اند:

الف. خوشنویسی در معنای هنری عرفانی و فراتر از کتابت و نگارش خوانا مورد نظر بوده و بیش از دیگر زمینه‌ها، عرصه‌هایی چون نسخه‌های چشم‌نوا، مُرقعات، متون آموزشی کهن و گاه کتیبه‌های مهم معرفی شده‌اند. برای رعایت اختصار، جنبه‌های کاربردی خوشنویسی در سکه، مهر، سنگ مزار، ظروف و جز این‌ها به پژوهش‌های دیگری واگذار شده است.

ب. این پژوهش بر خوشنویسی سده هفتم قمری تا دوره بهاری تأکید دارد و برای پیوستگی بحث، به پیش و پس از آن نیز نگاهی داشته است. مرزهای جغرافیایی این بررسی تا قلمرو زبان فارسی پیش رفته، چرا که زبان فارسی از مهم‌ترین عوامل ایرانی بودن به شمار آمده است؛ البته به اصالت هنرمندان نیز توجه شده است. چه بسا ابن‌مُقله یا احمد بن سهروردی، آثاری را به زبان فارسی کتابت نکرده باشند اما بی‌شک ایرانی‌اند؛ همچنین کتیبه‌های قرآنی بنای مشهور تاج‌محل را عبدالحق شیرازی (ملقب به امانت خان) به خطِ ثلثِ عالی نگاشته و اگرچه آن متون به زبان فارسی نیست و اگر هم بخشی از ایران نبوده اما در حوزه خوشنویسی ایرانی است. زبان مادری برخی از هنرمندان ایرانی، عربی، ترکی و جز آن بوده و گاه زبان مادری یا زبان دوم هنرمندانی غیرایرانی، فارسی بوده است. در نتیجه درمی‌یابیم که تأکید بیش از اندازه بر محدوده جغرافیایی در پژوهش‌هایی از این دست چندان منطقی و سودمند نیست.

ج. بدیهی است که در گام‌های نخستین، می‌باید در شیوه تألیف به شناسایی، گزارش و توصیف روی آورد؛ با این حال چون پیش از علاقه‌مندی به پژوهش، خوشنویس بوده‌ام، در صورت لزوم از پرداختن به تحلیل و نقادی نیز خودداری نکرده‌ام.

د. تقسیم‌بندی فصل‌ها و بخش‌ها، تلفیقی از ترتیب تاریخی و سلسله‌های حکومتی، پیدایش گونه‌های خط و استادان برجسته است.

البته اذعان می‌کنم که نخواستهم تا این کتاب به دقت با معیارهای یادشده همخوانی داشته باشد و با ارجاعات و پی‌نوشت‌های فراوان و طولانی، به مأخذ هر نظر و گوناگونی آنها بپردازم و کتاب به عرصه چالش دیدگاه‌ها و در نتیجه پژوهشی خشک بدل شود، بلکه کوشیده‌ام تا با در نظر داشتن نیاز مخاطبان، به یادداشت‌هایم نظم داده باشم و با شیفتگان خوشنویسی به گلگشتی در این هنر بپردازم.

بیشتر تصاویر کتاب در بخش نسخه‌ها و قطعه‌ها زیر نظر نگارنده و از اصل آثار تهیه شده است. در بخش کتیبه‌ها نیز بیشتر عکس‌ها را خودم در سال‌های گوناگون گرفته‌ام و هرگاه تصویری را از منبعی گرفته یا برداشته باشم در شرح تصاویر یادآوری کرده‌ام.

در پایان باید سپاسگزاری کنم از:

مدیران و کتابداران موزه‌ها و کتابخانه‌هایی که آثارشان معرفی شده است.

تمام مجموعه‌دارانی که آثارشان را بی دریغ در اختیار گذاشته‌اند.

آقای رضا رینه‌ای برای نوشتن عنوان کتاب.

آقایان محمدرضا سرودلیر و حسن اعرابی برای نوشتن عنوان فصل‌ها.

آقای پاشا دارابی برای صفحه‌آرایی، دقت و حوصله‌ای کم‌نظیر.

آقای داوود موسایی، مدیر اهل فرهنگ فرهنگ معاصر و آقای کیخسرو شاپوری برای راهنمایی‌ها و حسن نظارتشان در سراسر مراحل نشر کتاب.

آقای دکتر هوشنگ رهنما برای ترجمه مقدمه انگلیسی و پیشنهادهای سودمندشان.

خانم ربکا استینگل برای بازبینی مقدمه انگلیسی.

امیدوارم تا خوانندگان تیزبین، سهو و کاستی‌ها را با نشانی: www.ghelichkhani.com با نگارنده در میان بگذارند.